

بررسی تطبیقی دیدگاه تفسیری مفسران فریقین در ترابط نبی، رسول و امام

غلامحسین اعرابی*

احمد مهدی زاده**

چکیده

سه واژه «نبی»، «رسول»، «امام» و مشتقات آنها بارها در قرآن به کار رفته است. گرچه آیات قرآن در مورد رابطه بین این سه مفهوم صراحت ندارد، اما به نظر می‌رسد که با در نظر گرفتن مجموع آیات مرتبط، می‌توان به موضعی مستدل و مستند در این زمینه دست یافت. مفسران فریقین دیدگاه‌های گوناگونی درباره این موضوع اختیار کرده‌اند. در این نوشتار، آراء چهار مفسر از اهل سنت و دو مفسر از شیعه مورد بررسی قرار گرفته است. درباره رابطه بین نبی و رسول، پنج دیدگاه و درباره رابطه بین امام و دو مفهوم نبی و رسول، چهار نظر گوناگون از تفاسیر شش‌گانه فوق قابل شمارش است. پس از بررسی‌های انجام شده، در مورد رابطه میان نبی و رسول، دیدگاه علامه طباطبایی به خاطر جامع و مستدل بودن و نیز استناد حداکثری به آیات مرتبط، مورد پذیرش قرار گرفته است. گرچه رأی ایشان در مورد رابطه بین امام و دو مفهوم نبی و رسول، حاوی نکات بدیع و لطیفی است، اما دیدگاه هیچ‌یک از مفسران، بیان‌کننده تمامی حقیقت مورد نظر قرآن تشخیص داده نشد.

واژگان کلیدی

نبی، رسول، امام، رابطه نبی، رسول و امام، تفسیر تطبیقی.

golamhosein.arabi@gmail.com

ahmad.mehdizadeh@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۱۸

*. دانشیار دانشگاه قم.

** دانشجوی دکتری دانشگاه قم (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۱۳

طرح مسئله

از موضوعاتی که در قرآن کریم با بسامد بسیار مطرح گردیده موضوع‌های نبی و نبوت، رسول و رسالت است. قرآن کریم بارها از انبیا و رسل سخن گفته و ضمن بیان شرح حال آنان و اقوامشان به بیان موضوع رسالت آنها پرداخته است. در قرآن تنها نام ۲۵ تن از پیامبران آمده است (جعفری، ۱۳۷۶: ۳ / ۳۷ - ۳۵)؛^۱ درحالی‌که موضوع نبوت و رسالت بخش بزرگی از آیات قرآن را به خود اختصاص می‌دهد.^۲ و موضوع امامت ۱۳ بار در قرآن با دو کلید واژه امام و ائمه، آمده است.^۳

قرآن از برخی پیامبران مانند موسی (مریم / ۵۱)، اسماعیل (مریم / ۵۴) و محمد ﷺ (اعراف / ۱۵۷) به‌عنوان نبی و رسول یاد کرده اما برخی از آنان را تنها نبی نامیده است، مانند ادريس (مریم / ۵۶) آیه ۸۱ سوره آل عمران از این خبر می‌دهد که خدا از انبیا پیمان گرفت که چنانچه پس از دریافت کتاب و حکمت از سوی او، رسولی از جانب خدا به‌سوی آنان آمد، باید به او ایمان آورده و او را یاری کنند. از سویی، از برخی آیات چنین برمی‌آید که گویی فعل ارسال نه‌تنها شامل رسولان بلکه شامل انبیا نیز می‌گردد.^۴ بنابراین، این گمان تقویت می‌شود که فرقی میان آن دو مقام نیست، اما از برخی دیگر آیات چنین نتیجه‌گیری می‌شود که نباید رسول و نبی را یک مقام واحد دانست و باید بین آن دو تفاوتی قائل شد.^۵

از سوی دیگر قرآن گزارش می‌کند که دست‌کم برخی از انبیا و رسل مانند ابراهیم، اسحاق و یعقوب به امامت برگزیده شده‌اند. البته امامت مفهومی است که نه‌تنها در مورد انبیا، بلکه برای برخی کتاب‌های آسمانی (هود / ۱۷؛ احقاف / ۱۲)، بندگان شایسته خدا (فرقان / ۷۴)، مستضعفان (قصص / ۵)، جاده و مسیر (حجر / ۷۹) و حتی پیشوایان باطل (توبه / ۱۲؛ قصص / ۴۱)، به‌کار رفته است. در قرآن، مفهوم رسول مانند امام، برای غیرانسان^۶ نیز به‌کار رفته است، ولی مفهوم نبی تنها برای انسان کاربرد دارد.

در اینجا این سوال مطرح است که تفاوت میان دو مقام رسول و نبی چیست؟ و چه رابطه‌ای میان این

۱. نام‌های آنان عبارتند از: آدم، ادريس، نوح، هود، صالح، ابراهیم، لوط، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، شعیب، ایوب،

ذوالکفل، موسی، هارون، داود، سلیمان، الیاس، الیسع، یونس، زکریا، یحیی، عیسی ﷺ و محمد ﷺ. (همان)

۲. قرآن در ۱۶۱۵ آیه به موضوع پیامبران می‌پردازد. (شفیعی، ۱۳۹۲: ۱۸ / ۲۰۱)

۳. نتیجه جستجو در نرم‌افزار جامع تفاسیر نور.

۴. برای نمونه: «وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأُولِينَ» (زخرف / ۶)؛ «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ». (اعراف / ۹۴)

۵. برای نمونه: «مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى...» (حج / ۵۲)

۶. «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...» (بقره / ۱۲۴)؛ «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ...» (انبیاء / ۷۳)؛ «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ». (سجده / ۲۴)

۷. فرشتگان. (حج / ۷۵)

دو مفهوم برقرار است؟ از سوی دیگر رابطه میان مقام امامت با دو مقام نبوت و رسالت به چه نحو برقرار می‌گردد؟ آیا مفسران فریقین در این مباحث دیدگاه مشابه دارند یا میان آنها اختلاف نظر است؟ در صورت وجود اختلاف، نظر کدام‌یک را می‌توان نزدیک‌تر به واقعیت مورد اشاره قرآن ارزیابی نمود؟

واژه‌شناسی

راغب اصفهانی واژه «نبی» را مشتق از ریشه «نبأ» (به معنای خبری که دارای فایده‌ای بزرگ باشد و موجب حصول علم یا غلبه ظن شود) می‌داند و «نبی» را بر وزن فعیل و به معنای اسم فاعل برشمرده است؛ چراکه نبی از خدا و اخبار مربوط به او خبر می‌دهد و سفیر بین خدا و مردم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۸۹ - ۷۸۸) ابن فارس برخلاف راغب، «نبی» را از ریشه «نبو» (به معنای رفعت مقام) دانسته و بر آن است که «نبی» را به خاطر رفعت منزلت و برتری بر سایر مردم، «نبی» گویند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵ / ۳۸۵ - ۳۸۴)

راغب اصفهانی «رسول» را به معنای برانگیخته شده برای انجام کاری می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۲) و ابن منظور «رسول» را به معنای گسیل شده برای انجام کاری دانسته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۲۸۴) مصطفوی افزون بر نظریات گذشته در مورد مفهوم ارسال، به تقسیم‌بندی انواع رسالات در قرآن پرداخته و آن را به انواع روحانی، جسمانی از انسان و حیوان و جماد، ارسال شیاطین و ارسال ملائکه بخش‌بندی کرده است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۴ / ۱۳۸ - ۱۳۷)

خلیل بن احمد فراهیدی «امام» را به پیشوا و جلودار و نیز طریق معنا می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸ / ۴۲۹ - ۴۲۸) ابن فارس نیز دیدگاهی مشابه نظر فراهیدی ارائه کرده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۸)

طرح و نقد آراء مفسران

در این بخش، آراء مفسرانی چون فخر رازی (به نمایندگی از اشاعره و متقدمان اهل سنت)، زمخشری (به نمایندگی از معتزله)، طبرسی (به نمایندگی از متقدمان شیعه)، آلوسی و رشیدرضا (به نمایندگی از معاصران اهل سنت) و علامه طباطبایی (به نمایندگی از معاصران شیعه) طرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یک. فخر رازی

وی در تفسیر آیه ۵۲ سوره حج،^۱ ضمن آنکه اقوالی را در مورد رابطه دو مفهوم رسول و نبی نقل می‌نماید، نظر خود را چنین بیان می‌کند که بین نبی و رسول رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ یعنی هر رسولی نبی است؛ اما هر نبیی رسول نیست (رازی، ۱۴۲۰: ۲۳ / ۲۳۶) وی برای دیدگاه خود شواهدی می‌آورد؛ از جمله:

۱. آمدن دو واژه رسول و نبی در این آیه شاهد فرق میان آن دو است و از نوع عطف عام بر خاص است.

۱. وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى.

۲. آیه ۶ سوره زخرف «وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ» گویای این است که خدا رسولان خود را از میان کسانی که قبلاً نبی بوده‌اند، انتخاب می‌نماید.

۳. حدیث پیامبر ﷺ که عده رسولان را ۳۱۳ نفر و عده انبیا را ۱۲۴۰۰۰ نفر تعیین نموده است. (همان) وی سپس به بیان تفاوت میان رسول و نبی می‌پردازد و ضمن بیان اقوال موجود، نظر خود را چنین بیان می‌کند: «کسی که فرشته به صورت ظاهر نزد او آید و او را به دعوت مردم فرمان دهد رسول است و کسی که این گونه نباشد و رسول بودن خود را در خواب ببیند، یا یکی از فرستادگان به او خبر دهد که فرستاده خداست، نبی است که رسول نیست». (همان)

در استدلال فخر رازی در رابطه عموم و خصوص مطلق بین نبی و رسول، نوعی دوگانگی و اضطراب دیده می‌شود. وی از سویی بر آن است که خدای متعال از میان انبیایی که رسول نبودند، رسولان خود را برمی‌گزیند (با استناد به: زخرف / ۶)؛ طبق این بیان، وی مقام رسالت و نبوت را جدای از یکدیگر می‌داند و از سوی دیگر مقام نبوت را مستلزم داشتن مقام رسالت دانسته است (همان) باید گفت که چگونه ممکن است خدا کسی را به مقامی برگزیند که قبلاً واجد آن بوده است؟!

از بیان فخر رازی در فرق میان نبی و رسول چنین بر می‌آید که او نبی را نیز به گونه‌ای رسول می‌داند و این برداشت او به دلیل ظاهر آیه ۵۲ سوره حج است که هم رسول و هم نبی را مُرسل خوانده است و نیز گمان او بر اینکه واژه نبی چه از ریشه «نبا» باشد و چه از ریشه «نبو»، مستلزم حصول رسالت است (همان) بنابراین از نگاه وی واژه رسول دو معنا می‌تواند داشته باشد: یکم، به معنای مأمور و فرستاده خدا، که براساس این معنا هم نبی و هم رسول هر دو رسول - که بنا بر نظر او همان مرسل است - می‌باشند و دوم، رسول به معنای نبی که فرشته وحی را آشکارا مشاهده می‌کند، که طبق این معنا «نبی» از دایره مصادیق آن خارج می‌گردد.

بنابر این وی در فرق میان مقام نبوت و رسالت، تنها به تفاوت در چگونگی دریافت وحی قائل است و در مقام عمل تفاوتی میان این دو مقام نمی‌گذارد، درحالی که با در نظر گرفتن همه آیات قرآن در این موضوع پذیرش این نتیجه با اشکال‌هایی روبه‌رو خواهد شد، چنان که در ادامه به نمونه‌هایی در این مورد اشاره خواهد شد.

وی در تفسیر آیه ۱۲۴ سوره بقره به شرح دیدگاه خود در مورد امام می‌پردازد. او امامت را به معنای پیشوایی در دین دانسته است، از این رو آن را یکی از شئون نبوت می‌داند. در این جهت او به آیه ۷۳ سوره انبیا نیز استشهاد نموده که در آن برای برخی انبیا مقام امامت ثابت شده است. وی بر آن است که امام باید رسولی دارای شرع جداگانه باشد؛ زیرا در غیر این صورت پیرو نبی دیگری خواهد بود. گرچه او برای خلفا و امام جماعت در نماز نیز مراتبی از امامت قائل است، اما از نگاه او، پیشوایی مردم در امر دین، در بالاترین مراتبش از آن انبیا است. (رازی، ۱۴۲۰: ۴ / ۳۶ - ۳۵)

سوال که با پذیرش نظر او مطرح می‌گردد، این است که آیا می‌توان پذیرفت که خدا به ابراهیم

درحالی که نبی بود (و بنا بر نظر فخر رازی که امامت همان نبوت است، در همان حال امام نیز بود) وعده مقامی را داد که واجد آن بود! مگر آنکه بگوییم که ابراهیم در آن حال هنوز به نبوت نرسیده بود. این احتمال نیز خلاف واقع به نظر می‌رسد؛ زیرا این وعده پس از گذر کردن از همه آزمایش‌ها و پس از فرزنددار شدن آن حضرت در اواخر عمر بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۶۷) لذا وعده رسیدن به مقام امامت زمانی به ابراهیم داده شد که او نبی بوده است و اگر مقام امامت را همان نبوت بدانیم یا آن را از لوازم قطعی نبوت فرض کنیم وعده مذکور در این آیه، تحصیل حاصل و لغو می‌نماید. بنابراین به نظر می‌رسد که وی برای منحصر نمودن مقام امامت در نبوت و رسالت توانایی اقامه دلیل نداشته است.

دو. جارالله زمخشری

زمخشری نیز در ذیل آیه ۵۲ سوره حج به بیان دیدگاه خود در مورد تفاوت میان رسول و نبی پرداخته است. برخلاف آنچه که فخر رازی در مورد دیدگاه معتزله بیان کرده، مبنی بر اینکه ایشان بین رسول و نبی تفاوتی قائل نیستند (رازی، ۱۴۲۰: ۲۳ / ۲۳۶)، زمخشری به مثابه یک معتزلی بر این عقیده است که ذکر رسول و نبی به صورت توأمان در این آیه، دلیل آشکاری بر تغایر بین آن دو است. وی نیز به عنوان شاهدی بر این مدعا به ذکر حدیث نبوی در تعیین شمار رسولان و انبیا می‌پردازد، سپس در بیان فرق بین رسول و نبی نظر خویش را چنین بیان می‌کند که رسول بین معجزه و کتاب جمع می‌کند اما نبی صاحب کتاب نیست و امر شده تا مردم را به شریعت پیش از خود دعوت نماید. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۱۶۴)

در نقد دیدگاه زمخشری درباره فرق میان نبی و رسول باید گفت که اولاً وی برای آن استدلالی ارائه ننموده است و ثانیاً این نظر با ظاهر آیه ۸۱ سوره آل عمران^۱ ناسازگار است؛ زیرا در این آیه آمده است که خدا نه تنها به رسولان بلکه به انبیا نیز کتاب و حکمت عنایت می‌کند.

وی در ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره به طور مختصر دیدگاه خود در مورد امامت را بیان می‌کند. از دید زمخشری مقام امامت ابراهیم به این معنا است که مردم در دین خود به او اقتدا می‌کنند. بنابراین می‌توان با کمی تساهل، نظر او را همان نظر فخر رازی دانست؛ به این معنا که امامت؛ یعنی پیشوایی دینی، و آن یکی از لوازم نبوت است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۸۴) درباره این دیدگاه نقدهای وارده بر نظر فخر رازی، بر دیدگاه او نیز وارد است.

سه. امین الاسلام طبرسی

طبرسی نیز ذیل آیه ۵۲ سوره حج، ضمن بیان دو دیدگاه دیگر، دیدگاه خود را چنین بیان می‌کند که بین رسول و نبی رابطه تساوی برقرار است؛ یعنی هر رسولی نبی و هر نبیی رسول است. از نظر وی این دو واژه تنها بیانگر دو شأن از یک شخص است؛ به این معنا که به پیامبران خدا نبی گفته شده به خاطر بیان رفعت

۱. وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ.

مقامشان به دلیل رسالتشان و رسول گفته شده به منظور بیان مأموریت و رسالت الهی آنان. دلیل عمده‌ای که او بر مدعی خود آورده این است که خدا در قرآن، نبی خاتم صلوات الله علیه را با هر دو لفظ نبی و رسول خطاب کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۱۴۶ - ۱۴۵)

اما به نظر می‌رسد دلیل وی متناسب با این مدعا نیست؛ زیرا چنانچه کسی بپذیرد که نبی و رسول متفاوتند اما بین آنها رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد، اشکالی نیست که پیامبر اسلام یا هر رسول دیگری، هم رسول باشد و هم نبی و با هر دو لفظ مورد خطاب قرار گیرد. از سوی دیگر، ظاهر آیه ۵۲ سوره حج و آیه ۸۱ آل عمران و ذکر هر دو لفظ در این آیات، گویای تفاوت بین دو مفهوم است. دلیل دیگر بر وجود فرق میان نبی و رسول، ذکر برخی انبیا تنها با لفظ نبی و برخی دیگر با دو لفظ به طور هم زمان، در آیات ۵۱ تا ۵۶ سوره مریم است.

در مورد مقام امامت، طبرسی نیز در ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره به بیان دیدگاه خود می‌پردازد. از نظر طبرسی لفظ امام دو کاربرد دارد: یکی به معنای کسی که مردم در امور خود به او اقتدا می‌کنند. و دوم کسی که عهده‌دار اداره امور سیاسی و حکومتی جامعه می‌شود. وی با این استدلال که لزوماً هر نبی از انبیا الهی به منصب امامت - به معنای نخست - می‌رسد و با توجه به اینکه ابراهیم در زمان صدور این وعده از سوی خدا دارای مقام نبوت بود و نیز با عنایت به اینکه عبارت «انی جاعلک للناس اماماً» خبر از امامت ابراهیم در حال یا آینده می‌دهد؛ چنین نتیجه می‌گیرد که منظور از امامت همان معنای دوم؛ یعنی رهبری و زمامداری سیاسی است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۳۸)

در نقد این نظر طبرسی باید دید که آیا ابراهیم در زمان حیات خود به منصب زمامداری جامعه‌ای از جوامع بشری رسید یا نه؟ چنین رخدادی در تاریخ و نیز در متون مقدس ادیان ابراهیمی به ثبت نرسیده است. از سوی دیگر، همانطور که در بخش واژه‌شناسی آمد، واژه امام در متون کهن به معنای رهبر سیاسی جامعه نیامده و به نظر می‌رسد که این معنا در قرون بعد بر این لفظ بار شده باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که نمی‌توان عقیده طبرسی در خصوص مقام امامت و تطبیق آن بر حکومت را پذیرفت.

چهار. شهاب‌الدین آلوسی

آلوسی مفسر اهل سنت قرن سیزدهم در تفسیر *روح المعانی* ذیل آیه ۵۲ سوره حج به بیان دیدگاه خود در خصوص نقاط اشتراک و افتراق بین نبی و رسول پرداخته است؛ با نظری تقریباً مشابه زمخشری، وی معتقد است که رسول، شرع جدید یا کتاب مستقل دارد اما نبی این‌گونه نیست و به تبلیغ شرایع و کتاب‌های آسمانی گذشته می‌پردازد. از نگاه وی نیز ذکر هر دو واژه رسول و نبی در این آیه دال بر تغایر این دو مفهوم است. وی ارسال را در آیه ملازم تبلیغ دین برشمرده و از آنجا که رسول و نبی هر دو مرسل دانسته شده‌اند، وظیفه تبلیغ متوجه هر دو مقام می‌گردد. بنابراین نتیجه می‌گیرد که تنها فرق ممکن بین این دو مقام می‌تواند وجدان یا عدم وجدان شرع جدید باشد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۹ / ۱۶۵ - ۱۶۴)

در نقد نظر آلوسی باید گفت که وی استدلالی تام و استنادی به آیات هم‌مضمون برای اثبات دیدگاه خود ارائه نداده است و تنها به ذکر اقوال موجود و رد دو قول و قبول یکی اکتفا کرده است. وی به صرف اینکه تفاوت نبی و رسول نمی‌تواند در ابلاغ دین باشد، نتیجه گرفته است که پس باید فرق آن دو را در آوردن شرع جدید جستجو کرد. حال آنکه امکان وجود فرق سوم بین این دو از نظر وی مغفول مانده است. از سویی دیگر، با نظری بر آیات قرآن می‌توان دریافت که اولاً انبیا نیز بعضاً صاحب کتاب بودند (آل عمران / ۸۱؛ بقره / ۲۱۳)؛ ثانیاً برای بسیاری از رسولان در قرآن مانند لوط، یونس و شعیب، نمی‌توان شرع و کتاب مستقلی سراغ گرفت.

آلوسی نیز ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره، به ابراز دیدگاه خود درباره امامت پرداخته است. وی بر آن است که منظور از امام همان نبی است. وی در پاسخ به آن اشکال که ابراهیم علیه السلام در زمان دریافت وعده امامت واجد مقام نبوت بود پس منظور از امامت نمی‌تواند نبوت باشد، چنین پاسخ می‌دهد که اولاً نبوت ابراهیم در زمان وعده ثابت نیست؛ ثانیاً اگر بر فرض ثابت شود که ابراهیم در آن زمان نبی بوده، می‌گوییم که پس از گذر از ابتلائات، قید «لناس» به امامت (نبوت) او اضافه شده است؛ یعنی او از آن پس برای تمامی مردم امام شد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱ / ۳۷۴ - ۳۷۳)

به نظر می‌رسد که آلوسی در پاسخ به اشکال مطرح شده توفیقی نداشته است؛ زیرا اولاً چنان که پیش‌تر آمد، این وعده در زمان سالمندی ابراهیم بوده و نبوت او در آن هنگام ثابت است و ثانیاً اگر امامت را صرفاً به معنای نبوت بدانیم، قید «لناس» برای نبوت، تحصیل حاصل است؛ زیرا نبوت انبیا هیچ‌گاه منحصر به مردمان خاصی نبوده است؛ (در این زمینه ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳ / ۱۹۸) جز اینکه اقتضای جهان قدیم از منظر محدودیت ارتباطات در مقایسه با جهان جدید، حکم می‌کرده است که پیام هدایت یک نبی، از محدوده خاصی فراتر نرود. بنابراین آموزه‌های نبوت ابراهیم علیه السلام و همه انبیا، در زمان حیاتشان، به صورت طبیعی به‌شمار محدودی از مردم اختصاص می‌یافته است. شمار قابل توجهی از انبیا که در روایت ابوذر از رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن اشاره شده است (۱۲۴۰۰ نفر) نیز می‌تواند به همین سبب باشد. روشن است که با صرف نظر از این محدودیت عارضی، نبوت انبیا ذاتاً به مردم خاصی اختصاص نداشته است. لذا نبوت ابراهیم ذاتاً قید لناس را در خود دارد و از این جهت اضافه نمودن این قید برای نبوت ابراهیم علیه السلام تحصیل حاصل است و چنانچه آن وعده را در راستای رفع موانع عرضی اشاره شده؛ یعنی محدودیت طبیعی دعوت انبیا در جهان قدیم بدانیم، لازمه‌اش این است که با اجرای این وعده، به‌گونه‌ای معجزه‌آسا همه مردم جهان از نبوت او و آموزه‌های آن با خبر شده باشند، که البته این امر رخ نداده است. بنابر این دلیل، نمی‌توان مانند آلوسی بر این باور بود که خدا به ابراهیم نبی علیه السلام وعده داد که او را نبی همه مردم جهان نماید.

پنج. محمد رشیدرضا

از نگاه این مفسر معاصر، تفاوت میان رسول و نبی آن است که رسول مأمور به تبلیغ وحی است اما نبی

مأمور به تبلیغ نیست (رشیدرضا، ب: ۱ / ۲۸) وی استدلال و استنادی بر این مدعا ارائه نکرده است و به نظر می‌رسد که مهم‌ترین مبنای او همانا معنای لغوی دو واژه نبی و رسول بوده است. با نگاهی به آیات قرآن تقریباً تردیدی نمی‌ماند که همه انبیا مأمور به تبلیغ بودند (برای نمونه: بقره / ۲۱۳؛ آل عمران / ۸۱) لذا این دیدگاه نیز نمی‌تواند صحیح باشد.

رشیدرضا نیز دیدگاه خود در مورد امامت را ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره بیان کرده است. از آنجا که او وعده امامت به ابراهیم علیه السلام را پس از نبوت می‌داند، به این نتیجه رسیده است که امامت در آیه مزبور به معنای رسالت است؛ به این معنا که ابراهیم علیه السلام پس از اتمام آزمایش‌های مذکور در آیه، به مقام رسالت رسید. و با توجه به دیدگاه او در مورد نبوت و رسالت، این به آن معنا است که پس از آن وعده، ابراهیم علیه السلام مأمور به تبلیغ دین خود شد، درحالی که قبل از آن مأموریتی برای تبلیغ نداشت، اما این اشکال بر این نظر وارد است که وعده امامت به ابراهیم علیه السلام پس از فرزنددار شدن او بوده است^۱ و این اتفاق در سالمندی او افتاد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۶۷)، و پیش از آن طبق گزارش قرآن او بارها به تبلیغ آموزه‌های توحید پرداخته بود (برای نمونه ر.ک: انعام / ۷۴ و ۸۱؛ انبیاء / ۷۰ - ۵۱) بنابراین اگر مانند رشیدرضا رسالت را به معنای امامت بدانیم و در عین حال آن را به مأموریت برای تبلیغ دین تفسیر کنیم، ابراهیم علیه السلام پیش از وعده امامت، امام بود و این تحصیل حاصل و باطل است، بنابر این تفسیر امامت به رسالت نمی‌تواند صحیح باشد.

شش. سید محمدحسین طباطبایی

علامه طباطبایی برخلاف مفسران گذشته در مواضع متعددی به تشریح دو مفهوم نبی و رسول اقدام نموده و در این جهت به آیات بیشتری استناد کرده و از روایات رسیده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام بهره جسته است. وی در نخستین موضع از تفسیر *المیزان* ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره با توجه به معنای لغوی دو واژه، بر آن است که رسول به معنای حامل پیام الهی و نبی به معنای حامل خبر از سوی خدای متعال است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۱۳۹) وی قولی را نقل می‌نماید که طبق آن، رسول آن است که مبعوث می‌شود و مأمور به تبلیغ است و نبی آن است که مبعوث می‌گردد، خواه مأمور به تبلیغ باشد یا نباشد. سپس این قول را با استناد به آیات قرآن (مریم / ۵۱؛ حج / ۵۲) رد می‌کند (همان) و نشان می‌دهد که اولاً هر نبیی فرستاده می‌شود تا مردم را به دین خدا هدایت نماید و ثانیاً بین دو مفهوم نبی و رسول رابطه عموم و خصوص مطلق وجود ندارد بلکه - چنان که بعداً به آن می‌پردازد - بین مصادیق این دو مفهوم چنین رابطه‌ای برقرار است. از نگاه ایشان، نبی و رسول هر دو به سوی مردم ارسال شده‌اند؛ با این تفاوت که نبی تنها مأمور است تا

۱. به این دلیل که وی پس از دریافت وعده امامت، آن را برای ذریه خود نیز طلب نمود. (بقره / ۱۲۴) (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۶۷)

مردم را از انبیا غیب با خبر سازد، اما رسول افزون بر آن، رسالت (مأموریت) ویژه‌ای دارد که مشتمل بر اتمام حجتی است که مخالفت با آن هلاک و عذاب خدا را در پی خواهد داشت (همان؛ نیز در این باره ر.ک: همو، ۱۴۱۷: ۱۰ / ۷۲ - ۷۱) این دیدگاه علامه با آیاتی که گویای آنند که همواره خدا بر اطاعت و فرمان‌پذیری مردم از رسولان (و نه عموم انبیا) تأکید داشته است، نیز تأیید می‌گردد (برای نمونه، ر.ک: نساء / ۶۴؛ شعراء / ۱۰۸؛ آل عمران / ۱۳۲)

وی در بحث روایی، به روایات وارده در این باره می‌پردازد. ابتدا روایت ابوذر از رسول الله ﷺ را نقل نموده که در آن تعداد انبیا ۱۲۴۰۰۰ نفر و تعداد مرسل‌ها از میان آنان ۳۱۳ نفر بیان شده است. وی این روایت را از روایات مشهور بین اهل سنت و شیعه دانسته و برخی منابع شیعی آن را برمی‌شمارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۱۴۵ - ۱۴۴) وی ضمن آوردن برخی از روایات‌ها بیان خاصی در مورد آنها دارد:

در کتاب کافی درباره کلام خدا (و کان رسولاً نبیاً ...) از امام باقر علیه السلام آمده است که فرمود: «نبی کسی است که در خواب می‌بیند و صدا را می‌شنود ولی فرشته را نمی‌بیند و رسول آن کس است که صدا را می‌شنود و فرشته را به چشم می‌بیند ولی در خواب نمی‌بیند». می‌گوییم: در مورد این معنا روایت‌های دیگری نیز وجود دارند و ممکن است این معنا از آیاتی مانند «فارسل الی هارون» (شعراء / ۱۳) نیز استفاده شود. مفهوم آن این نیست که معنای رسول کسی باشد که فرشته وحی به سوی او فرستاده شود بلکه مقصود آن است که نبوت و رسالت دو مقام‌اند که ویژگی یکی رؤیا و ویژگی دیگری مشاهده فرشته وحی است. گاه دو مقام در یک فرد جمع می‌شود؛ زیرا دو ویژگی در او فراهم می‌آید و گاه نبوت غیر از رسالت است، پس رسالت از لحاظ مصداق - نه مفهوم - اخص از نبوت است، آن‌چنان‌که حدیث گذشته از ابوذر بدان تصریح می‌کند (آنجا که می‌گوید: گفتم شمار مرسلون از آنها چند است؟) پس روشن شد که هر رسولی نبی است و نه بر عکس. ... و چنان‌که دانستی در روایات دلالتی بر عموم‌من وجه بین رسالت و نبوت نیست، بلکه روایات بر عموم مطلق [بین این دو معنا] صراحت دارد. (همان)

بنابراین، از نگاه علامه طباطبایی اینکه در روایت فوق آمده که نبی خواب می‌بیند و صدا را می‌شنود ولی رسول در بیداری فرشته وحی را می‌بیند، به این معنا نیست که رسول را از آن جهت رسول گویند که فرشته وحی به سوی او فرستاده می‌شود، بلکه نبوت و رسالت دو مقام هستند که ویژگی یکی رؤیا و ویژگی دیگری مشاهده فرشته است و آنگاه که دو مقام در شخصی جمع می‌شود، هر دو ویژگی در او جمع می‌گردد. و گاهی نبوت در کسی هست اما رسالت نیست، پس رسالت در مصداق اخص از نبوت است؛ نه در مفهوم، چنان‌که حدیث ابوذر نیز به این رابطه اخص و اعم صراحت دارد. پس هر رسولی نبی نیز هست اما عکس این صادق نیست. وی روایات دیگری را نیز با این مضمون نقل می‌کند که همگی مؤید این معنا است. (ر.ک: همان: ۳ / ۲۲۰ - ۲۱۹)

از نظر علامه، عبارت «و رسولاً الی بنی اسرائیل» (آل عمران / ۴۹) در مورد عیسی علیه السلام تنها مفید آن است که مقام رسالت او ویژه آن قوم بود (مانند موسی و همه رسولان) اما مقام نبوت ایشان؛ یعنی تبلیغ دین، اختصاص به قوم خاصی نداشته است (همان: ۱۹۸) بنابراین از نگاه وی، رسولانی چون عیسی، موسی و ... همگی فرستاده ویژه خدا به سوی اقوام خود هستند، درحالی که مقام نبوت آنها و تبلیغ آموزه‌های وحی، اختصاصی به قوم خاصی نداشته است (همان: ۱۹۹)

چنین به نظر می‌رسد که معنای ارائه شده از سوی علامه در مورد مفهوم دو واژه نبی و رسول در قرآن و وجوه اشتراک و افتراق میان این دو مقام در مقایسه با آراء گذشته از جامعیت و عقل‌پذیری بیشتری برخوردار است؛ زیرا وی در تقریر موضع خود هم به معنای لغوی این دو واژه و هم به ظهور آیات قرآن و هم به روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام نظر دارد، نیز پیوستگی و انسجام مناسبی در استدلال و استنتاج او قابل ملاحظه است (برای ملاحظه شواهد بیشتر وی از آیات و روایات، ر.ک: همان: ۲۱۹ و ۳۳۴ / ۱۰ / ۷۱ / ۱۴ / ۳۹۲ - ۳۹۰)

در مورد معنای مقام امامت، ایشان توضیح مفصلی در ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره آورده که خلاصه آن چنین است:

مقام امامت غیر از نبوت و رسالت است؛ زیرا ابراهیم علیه السلام در اواخر عمر و پس از امتحان‌های گوناگون و پس از آنکه صاحب ذریه شده بود، به امامت رسید. برخی پیامبران که در مقام صبر و یقین پیشتاز بودند به این مقام رسیدند. (سجده / ۲۴) در قرآن امامت همیشه همراه با هدایت به امر آمده است.

امر در مقابل خلق، یکی از دو وجه هر چیز است، خلق آن وجه هر چیز است که محکوم به تغییر و تدریج و انطباق بر قوانین حرکت و زمان است، اما امر در همان چیز، محکوم به این احکام نیست.

امام هدایت‌کننده‌ای است که با امری ملکوتی که در اختیار دارد هدایت می‌کند، پس امامت از نظر باطن یک نوع ولایتی است که امام در اعمال مردم دارد و هدایتش چون هدایت انبیا و رسولان و مؤمنین، صرف راهنمایی از طریق نصیحت و موعظه حسنه و بالأخره صرف نشانی دادن نیست بلکه هدایت امام، دست خلق گرفتن و به راه حق رساندن است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۴۲۲ - ۴۰۸)

علامه برخلاف مفسران گذشته که برخی امامت را به مقام نبوت یا رسالت و برخی آن را به مقام رهبری سیاسی جامعه تفسیر کرده بودند، موضع ویژه‌ای در این معنا اتخاذ کرده و امامت را به نوعی ویژه از هدایت معنوی و باطنی تفسیر کرده است. به نظر نگارنده، داوری در مورد موضع ایشان در مقام امامت در ظرف این مقال نمی‌گنجد و جا دارد که در تحقیقی جداگانه به آن پرداخته شود.

نتیجه

در آنچه گذشت، دیدگاه‌های شش نفر از مفسران به نمایندگی از سه جریان فکری عمده در جهان اسلام

(اشاعره، معتزله و شیعه امامیه) درباره مفاهیم رسول، نبی و امام در قرآن با استفاده از بیانات آنان ذیل برخی آیات قرآن مورد ملاحظه، بررسی و نقد قرار گرفت. خلاصه‌ای از آراء مطرح شده در جدول انتهایی این نوشتار آمده است. از میان چهار مفسر اهل سنت، زمخشری و آلوسی دیدگاهی تقریباً مشابه در مورد وجوه اشتراک و افتراق نبی و رسول داشتند و فخر رازی و رشیدرضا نیز دو دیدگاه دیگر را نمایندگی می‌کردند. دو مفسر شیعه نیز دارای دو نظر کاملاً متفاوت بودند که نظر علامه طباطبایی از جامعیت، انسجام و استناد بیشتری نسبت به دیگر مفسران برخوردار است.

در مورد معنای امامت و رابطه آن با نبوت و رسالت، آراء مفسران اهل سنت بسیار شبیه به یکدیگر است و همه آنان جز یک نفر بر این باورند که منظور از امامت همان نبوت است، حال آنکه رشیدرضا با اندکی تفاوت، امامت را به رسالت تفسیر کرده است. چنان‌که آمد، به نظر می‌رسد دیدگاه مفسران اهل سنت ناظر به بخشی از حقیقت است؛ یعنی انبیا و رسل همگی امام و پیشوای مردم بودند، اما آنان دلیلی بر آنکه این مقام منحصر در نبوت و رسالت بوده باشد، اقامه نکرده‌اند. طبرسی امامت را به زعامت سیاسی جامعه و علامه طباطبایی آن را به نوعی هدایت باطنی و نه تشریحی معنا کرده است. نشان داده شد که نظر طبرسی در این مورد نمی‌تواند واقع‌نما باشد و به نظر می‌رسد که داوری نسبت به رأی علامه طباطبایی درباره معنای امام، مستلزم بررسی و مذاقه مفصل‌تری است.

دیدگاه مفسران درباره مفهوم نبی، رسول و امام در آیات قرآن

امام	رسول	نبی	
طباطبایی	کسی که افزون بر وظیفه نبوت، حامل رسالت ویژه‌ای است که مخالفت با آن مستلزم عذاب و هلاکت است. از این رو حجت و آیات ویژه‌ای به همراه دارد. فرشته وحی را در بیداری مشاهده می‌کند و پیام او را دریافت می‌کند.	کسی که از غیبی که خدا به او وحی نموده با خبر است و مأمور تبلیغ آن به مردم است. پیام وحی را در خواب می‌بیند.	
رشیدرضا	به او وحی می‌شود و مأمور به تبلیغ است.	به او وحی می‌شود اما مأمور به تبلیغ نیست.	
آلوسی	هر رسولی نبی است. امامت همان نبوت است.	هر نبیی رسول نیست. صاحب کتاب یا شریعت مستقل نیست.	
طبرسی	هر رسولی نبی نیز هست. فرستاده شده از جانب خدا	هر نبیی رسول نیز هست. به واسطه ارسال دارای رفعت درجه و مقام است.	
رهبر سیاسی و زمامدار جامعه دینی			

امام	رسول	نبی	
پیشوای دینی مردم	- هر رسولی نبی است. - نبی است که صاحب کتاب و شریعت است.	- هر نبیی رسول نیست. - صاحب کتاب نیست و به شریعت قبل از خود دعوت می‌نماید.	زمخشری
امامت همان نبوت به معنای پیشوایی دینی مردم است.	- هر رسولی نبی است. - فرشته وحی را آشکارا می‌بیند که او را به دعوت مردم امر می‌نماید.	- هر نبیی رسول نیست. - فرشته وحی را در خواب می‌بیند یا از طریق غیر مشاهده به او خبر می‌دهند که رسول خدا است.	فخر رازی

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغه*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- بازرگان، مهدی، ۱۳۸۶، *سیر تحول قرآن*، ج ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶، *تفسیر کوثر*، ج ۳، قم، هجرت.
- رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم.
- رشیدرضا، محمد، بی تا، *المنار*، بیروت، دار المعرفه.
- _____، بی تا، *الوحي المحمدي*، بیروت، دار الکتب العلمی.
- زمخشری، جارالله محمود، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی.
- شفیعی، سید روح الله، ۱۳۹۲، «نبی و رسول در کتاب مقدس و قرآن»، *مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۱۸، ص ۲۳۱ - ۱۹۹، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- _____، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

بحث مقارن للآراء التفسيرية لمفسري الفريقين للعلاقة بين النبي، والرسول والإمام

غلام حسين اعرابي*

احمد مهدي زاده**

الخلاصة

الألفاظ الثلاثة: النبي، والرسول، والإمام، ومشتقاتها، جاءت في القرآن مرّات كثيرة. رغم أن آيات القرآن لا تكشف عن طبيعة العلاقة بين هذه المفاهيم الثلاثة، ولكن يبدو أنه من خلال النظر الى مجموع الآيات المتعلقة بهذا الموضوع، يمكن التوصل الى رأى واضح يمكن اثباته والاستدلال عليه في هذا المجال. طرح مفسرو الفريقين آراء مختلفة حول هذا الموضوع. نعرض في بحثنا هذا، آراء أربعة من مفسري أهل السنّة واثنين من مفسري الشيعة، ونبيّن ما قالوه في هذا الخصوص. في ما يخصّ العلاقة بين النبي والرسول، هناك خمسة آراء، وفي ما يخصّ العلاقة بين الإمام ومفهومي النبي والرسول، وهناك أربعة آراء مختلفة يمكن استبيانها من التفاسير الستّة المشار اليها. ومن بعد الدراسة التي أجريت حول العلاقة بين النبي والرسول، كانت الرؤية المقبولة في هذا المضمار هي رؤية العلامة الطباطبائي لما تتصف به من شمولية، ولما تطرحه من استدلالات اضافة الى الإستناد أكثر ما يمكن الى الآيات القرآنية. ورغم ما جاء بين ثنايا الآراء - التي طرحت في ما يخصّ العلاقة بين مفهوم الإمام ومفهومي النبي والرسول - من امور بدیعة ولطيفة، إلا أن أياً من آراء المفسرين، الآخرين لا يكشف عن تمام الحقيقة التي يريد القرآن بيانها.

الألفاظ المفتاحية

النبي، الرسول، الإمام، علاقة النبي، الرسول والإمام، التفسير المقارن.

golamhosein.arabi@gmail.com

ahmad.mehdizadeh@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٤/٠٦

*. استاذ مشارك في جامعة قم.

** طالب دكتوراه في جامعة قم (الكاتب المسؤول).

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٨/٠٤